

مطبوعات کردستان

هفته‌نامه سیروان

واژه سیروان از زبان کردی گرفته شده است و نام یکی از رودخانه‌های مشهور در منطقه اورامانات است. گستره توزیع هفته‌نامه سیروان که سازمان همیاری شهرداری‌های کردستان صاحب امتیاز آن است و دکتر جلال جلالی‌زاده مدیر مسئول آن؛ و حوزه توزیع استان‌های کردستان، کرمانشاه، ایلام و آذربایجان غربی است. مطالب هفتگی نشریه سیروان به دو زبان کردی و فارسی به مخاطبان ارائه می‌گردد. سیروان معمولاً در شانزده صفحه منتشر می‌شود که بیش از یک سال است صفحه اول و آخر نشریه مذکور به صورت چهار رنگ و مابقی صفحات در دو رنگ انتشار می‌یابد. سیروان که رویکردی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد پس از دوم خرداد و از سال ۱۳۷۵ مجوز انتشار گرفته است و بین ۵ تا ۱۰ هزار نسخه تیراژ دارد. ضمناً این نشریه در تهران چاپ می‌شود.

رسانه‌های ارتباط جمعی، ابزار مدرن اطلاع‌رسانی در جهان جدید هستند. امروزه نقش رسانه‌ها در رخدادهای جهانی بسیار زیاد است. بی‌دلیل نیست که عصر جدید یعنی قرن بیست و یکم را قرن انفجار اطلاعات نامیده‌اند. در چنین عصری قدرت از آن کسانی است که در اطلاع‌رسانی موفق، قوی و سریع عمل می‌کنند.

در ایران داستان مطبوعات داستانی نسبتاً جدید اما پر حادثه است. عموماً مطبوعات بعنوان یکی از اصلی‌ترین نهاد‌های جامعه مدنی محسوب می‌شوند اما در ایران بهار تازه بای مطبوعات هر بار با خزان چند ساله‌ای روبرو شده است. در کردستان اولین روزنامه در سال ۱۳۳۰ و با نام کردستان منتشر شد و از آن پس جراید دیگری نیز در این سرزمین پا گرفتند. پس از انقلاب تقریباً روزنامه نگاری حرفه‌ای با روزنامه/خبر کردستان آغاز شد. سپس سیروان آمد و عرصه را گسترش داد. از آن پس نشریاتی چون آیدر، ناسو، روز سه‌لایه، پیام مردم، کرفنو و آوای کردستان و ناستی آمدند. اکنون هفته‌نامه‌ها و فصلنامه‌های بسیاری در کردستان به طبع می‌رسد. جای آن دارد که در این یادداشت از مجلاتی مانند سروه، ناوونه، مه‌باد، رافه و فرهنگ کردستان نیز یاد شود، چرا که آنها نیز در تولید اندیشه و گفتمان‌های اندیشه‌گرا نقش مهمی داشته‌اند.

هفته‌نامه فرهنگی-اجتماعی-اقتصادی-سیاسی

سیروان

هفته نامه تاسو

شیوه توزیع هفته نامه تاسو نیز همانند سیروان است. این نشریه که حسین احمدی نیاز صاحب امتیاز و مدیر مسئول آن است و جلیل آزادخواه سردبیر آن در استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، ایلام، کرمانشاه و مناطق کردنشین توزیع می‌گردد. تاسو به دو زبان کردی و فارسی است و در حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فعالیت می‌کند. این نشریه در سال ۱۳۸۱ مجوز گرفت. اخیراً یعنی حدود یک ماه است که صفحات اول و آخر تاسو رنگی و مابقی صفحات - ۱۰ صفحه - در دو رنگ منتشر می‌شود. تاسو یک واژه کردی و به معنی افق می‌باشد. تیتراژ اول تاسو در ابتدای انتشار غالباً در خصوص مسائل کردها، خصوصاً در مورد کردستان ترکیه و مساله عبدالله اوجلان بود، اما بعدها این موضوع رنگ و بوی کمتری یافت.

هفته نامه پیام مردم

هفته نامه پیام مردم، «ده نگی گل» با صاحب امتیازی و مدیر مسئولی آقای حسین کبودوند و شورای سردبیری و همفکری جمعی از نویسندگان و خبرنگاران جوان منطقه اداره می‌شود. غالب تیتراژ و مطلب پیام مردم که نشریه ای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است به مسائل کردها خصوصاً کردهای ایران و عراق اختصاص دارد. روش این هفته نامه تحلیل و بررسی اخبار و رخدادهای منطقه ای است که در حال حاضر بیشتر به مسائلی چون نظام فدرالی عراق، مساله اوجلان و سرنوشت شهر کرکوک که حاکمیت بر آن، موضوع مناقشه کردهای عراق، اعراب و ترکمن‌ها می‌باشد اختصاص دارد. صفحه اول و آخر این نشریه رنگی و در ۱۶ صفحه انتشار می‌یابد.

هفته نامه روز هه لات

روز هه لات نیز از جمله نشریات نوپاست که اخیراً مجوز انتشار دریافت کرده است. صاحب امتیاز و مدیر مسئول نشریه آقای سهرابی نماینده دوره ششم مجلس شورای اسلامی از مریوان و سروآباد می‌باشد. روز هه لات واژه ای کردی به معنای مشرق می‌باشد. این نشریه علاوه بر ترتیب میزگردهای علمی با حضور دانشجویان کارشناسی ارشد و فارغ التحصیلان کرد دانشگاه‌های کشور از آثار و نوشته‌های روزنامه نگاران با سابقه نیز استفاده می‌کند. مسئول بخش کردی هفته نامه روز هه لات رضا علیپور است که تا زمان راه اندازی این نشریه در



سیروان مسئول بخش کردی بود محتوای اصلی مطالب مندرج در نشریه بیشتر حول و حوش مسائل کردستان و سیاست های منطقه می چرخد.

هفته نامه کرفتو

هفته نامه کرفتو با صاحب امتیازی و مدیر مسئولی جهانگیر مدنی و با سردبیری خانم لیلا مدنی چند ماه قبل آغاز به فعالیت نمود. دست اندرکاران نشریه مذکور را بیشتر تجربه های جوان تشکیل می دهند. نام نشریه از نام یکی از نمادهای باستانی کردستان به نام کرفتو که ما بین سقر و دیواندره می باشد گرفته شده است. محتوای اصلی این نشریه که معمولاً بین ۸ الی ۱۲ صفحه منتشر می شود مطالب اجتماعی است و در آن کمتر به مسائل سیاسی توجه شده است. مسائل اجتماعی و فرهنگی در محور توجه دست اندرکاران آن قرار دارد.

کشور ۹۰

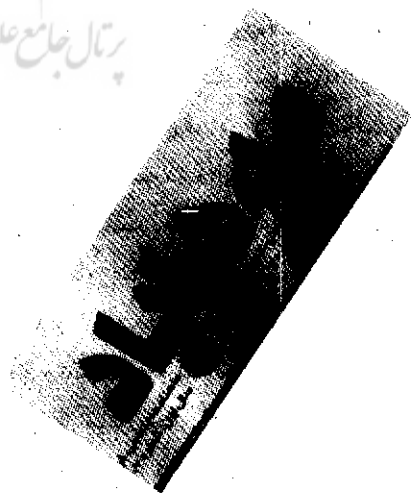
هفته نامه تاشتی

این جریده در اسفندماه سال جاری مجوز انتشار گرفت. صاحب امتیاز و مدیر مسئول تاشتی آقای برهان لهونی است که هم اکنون ریاست سازمان امور اقتصادی و دارائی استان کردستان را عهده دار می باشد. و سردبیر آن آقای بهرام ولدبیک است.

هفته نامه تاشتی هم اکنون به طور موقت به صورت هفتگی منتشر می شود. غالب مطالب و اخبار و گزارشهای تاشتی در خصوص مسائل کردهای عراق بوده است و در هر شماره مصاحبه ای را با چهره های مهم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در دو تا چهار صفحه اختصاص می دهد.

نشریه آیبیر

نشریه آیبیر در سال ۱۳۷۵ پا به عرصه مطبوعات محلی گذاشت. شاید بتوان گفت آیبیر از نخستین پیشگامان نشریات محلی کردستان در دوره اخیر بوده است که توانست راهی راکه مسیر آن توسعه کمی و کیفی مطبوعات استان بود، آغاز نماید. آیبیر در سالهای نخست انتشار به صورت هفتگی منتشر و در مناطق کردنشین و استانهای مجاور توزیع می شد. لیکن در چند سال اخیر این نشریه به ماهنامه تبدیل شده است. آیبیر با صاحب امتیازی و مدیر مسئولی محمدرضا رحیمی استاندار سابق کردستان، مجوز انتشار گرفت. از آن پس اعضای هیئت تحریریه آیبیر از سردبیر تا شورای نویسندگان هر از



آزمون الهی یا آزمایش عزم ملی

در ساعت پنج و بیست و شش دقیقه بامداد روز جمعه پنجم دیماه ۱۳۸۲ در مدتی کمتر از بیست ثانیه شهرهای بم و بروات بر اثر زلزله‌ای به قدرت بیش از شش درجه در مقیاس ریشتر به ویرانه‌هایی بدل شد.

زلزله بم جان بیش از چهل هزار تن از هموطنانمان را گرفت؛ حدود بیست هزار مجروح بر جا گذاشت؛ شش هزار تن مفقود شدند؛ نزدیک به صد درصد ساختمان‌های هر دو شهر ویران شدند؛ بیش از ۲۵۰ روستا در اطراف این دو شهر تخریب شدند؛ حدود بیست هزار واحد مسکونی روستایی به درجات آسیب دیدند؛ اغلب نزدیک به تمام تأسیسات عمومی شهر (بیمارستان‌ها، مدارس، کلاتری‌ها، شهرداری، فرمانداری، شبکه‌های آب و برق و مخابرات و ...) به کلی از بین رفتند؛ هشت هزار هکتار از باغ‌های بم آسیب دید؛ و از بسیاری از آثار فرهنگی (از جمله ارگ معروف بم) جز تلی از خاک بر زمین باقی نماند. کل خسارات مادی این حادثه حدود ۱/۵ میلیارد دلار برآورد شده است (البته بدون در نظر گرفتن هزینه‌های بازسازی).

متأسفانه برآورد دقیقی از ابعاد خسارت‌های انسانی و روحی این حادثه در دست نیست. اما کافی است تصور کنیم که ۲۰ هزار خانوار بمی هر یک یا بی‌سرپرست شده‌اند یا فرزندان و اقوام دور و نزدیک خود را از دست دادند و کافی است تنها به زنان، کودکان و سالموردگان بازمانده از این زلزله توجه

چند گاهی تغییر کرده اند. هم اکنون آبیتر در کردستان به صورت نا منظم منتشر می شود.

آقای فرزاد پورانی معاون دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج سردبیر این نشریه می باشد. آبیتر شیوه خبری - تحلیلی دارد.

* * *

یکی از مهمترین ویژگی‌ها و یا به عبارتی دیگر نقاط ضعف اکثر مطبوعات استان این است که عمده مطالب اصلی آنها به حوادث و اخبار کردهای سایر مناطق جهان بویژه کردهای عراق، ترکیه و سوریه اختصاص دارد، و چنین به نظر می‌رسد که هیچ‌گونه استراتژی و راهبرد تعریف شده‌ای برای پرداختن به مسائل استان و ارائه راهکار جهت حل آنها ندارند. با این حال با توجه پیشامد گسست‌های پی‌درپی در عرصه روزنامه‌نگاری در کردستان - و در مقیاس وسیعتر در کل ایران - که باعث ضعف و توسعه نیافتگی کلی این حوزه شده است، باید امیدوار بود که با تداوم این تجربه، مطبوعات کردستان نیز بتوانند این گونه کاستی‌ها را پشت سر بگذارند.

فرزاد حاجی میرزائی

عارف رحیمی

فصلنامه‌ی فرهنگی، پژوهشی، هنری
فصلنامه‌ی فرهنگی، پژوهشی، هنری

نماییم تا در کمی هر چند انتزاعی از ابعاد خسارت‌های انسانی و روحی ماجرا پیدا کنیم.

بجز از خسارات انسانی و مادی هنگفت و توان‌فرسا به آنچه به حادثه‌های «طبیعی» چون سیل و زلزله ابعاد گسترده‌تری می‌بخشد شیوه‌های نگرش و نحوه و توان ملی رویارویی، پیشگیری و مدیریت بحران در چنین حوادثی است. ایران بر یکی از زلزله-خیزترین پهنه‌های کره زمین قرار گرفته است و تنها در یکصد سال اخیر نزدیک به پنجاه زلزله بزرگ در آن وقوع بی‌وسسته است و در چهار دهه گذشته، که ایران «در حال توسعه» بوده است، دست کم چهار زلزله مرگبار (بویین‌زهر ۱۳۴۱، طبس ۱۳۵۷، رودبار ۱۳۶۹، و بم ۱۳۸۲) در کشور رخ داده است.

برسشی که مطرح می‌شود این است که با توجه به تواتر و تکرار نسبتاً منظم و قطعاً محتمل این گونه فجایع چرا عزمی ملی برای مواجهه با آن وجود نداشته و چرا چاره‌ای اساسی برای مقابله با این نوع حوادث اندیشیده نشده است؟

شهرداری بم



نتایج مطالعات برخی از نهادهای کارشناسی، نظیر مراکز متعدد مطالعاتی وزارت خانه‌های کشور و مسکن و شهرسازی و پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌های حاکم از آن است که بخش قابل توجهی از ساختمان‌های شهری و روستایی کمترین مقاومتی در برابر زلزله‌های بیش از ۵ ریشتری ندارند؛ ساز و کارهای دقیقی برای نظارت و کنترل رعایت استانداردها در ساخت و سازها و تهیه و تولید مصالح و مواد اولیه ساختمانی و نوع سازه‌ها وجود ندارد؛ رویکرد تمرکزگرای دولتی و توزیع نشدن متوازن و متناسب امکانات انسانی و فنی و تجهیزات در کشور موجب آشکار شدن نارسایی‌های زیرساختی در هنگام وقوع حوادث غیرمترقبه است؛ طرح و برنامه‌های کلان شهری و سرزمینی با نگاهی انتزاعی و غیرکاربردی به مخاطره‌خیزی‌های مناطق مختلف کشور تهیه می‌شود؛ ناهماهنگی‌ها و نابسامانی‌های متعددی در میان سازمان‌ها و نهادهای مسئول و مرتبط با پهنه بندی‌ها و تعیین کاربری‌های اراضی در شهرها وجود دارد (این ناهماهنگی بین نهادها و سازمان‌های ناظر نیز به چشم می‌خورد)؛ این همه را اگر به ضعف مدیریت بحران و مقابله و پیشگیری حوادث اضافه کنیم می‌توانیم از این که هر فاجعه و حادثه طبیعی تا چه اندازه ممکن است توان کشور را مصرف کند و موجب تکرار و تداوم ضعف و ناتوانی برخورد با فجایع باشد تصویری به دست آوریم.

بس از زلزله بم برخی از کارشناسان مسائل شهری «عواملی که زلزله بم را به یک فاجعه تبدیل کرد» این گونه برشمرده‌اند: کیفیت پایین و استحکام

اندک ساختمان‌ها؛ ۲. تراکم بالای جمعیت در بافت‌های فرسوده؛ ۳. نزدیکی بافت‌های مسکونی به خط گسل؛ ۴. ضعف مدیریت در حین و پس از حادثه (جلال معصوم و دنان جلالی، «زیر و بزم زلزله بزم» ضمیمه شماره ۱۲ ماهنامه شهرداری‌ها شماره ۵۸ اسفند ۸۲، ص ۴۲ تا ۵۰). اگر این نکات را گویای بی‌توجهی مسئولان و ضعف دیدگاه‌ها، سازمان‌ها و ساختارهای مدیریتی و برنامه‌های و طراحی نداریم، ناشی از چه باید بدانیم؟

پس از وقوع زلزله بسیاری از مقامات رده اول مملکتی آسیمه سر به منطقه فاجعه زده شتافتند و دست تقدی بر سر بازمانده‌گان کشیدند و دستوراتی دادند و به پایتخت بازگشتند، اما این همه تنها بر ناهماهنگی‌ها و شتاب زده‌گی‌ها افزود و بی‌آن که چارهای اساسی اندیشیده شود امکانات بسیج شده برای رفع و رجوع سریعتر و اساسی‌تر ماجرا به کار گرفته شد. نمونه بارز این شتابزدگی‌ها در نحوه رویکرد به ساخته شدن اردوگاه‌های اسکان موقت و نیز شهرک سازی‌های بعدی دیده می‌شد (از جمله نگاه کنید به مقالات «شهر ویران و گروه‌های بازمانده اجتماعی»، «برنامه‌های بازسازی بم و اولویت‌های آن» و «راهبردهای بازسازی بم» در *خبرنامه انجمن جامعه شناسی ایران*، شماره ۱۲، خرداد و تیر ماه ۱۳۸۳ (ویژه نامه زلزله بم) و نیز مطالب دیگر همین خبرنامه).

نکته بارز در تجربه رفتار با زلزله زده‌گان بم بی‌توجهی به ابعاد اجتماعی و محلی ماجرا و تمرکز بر بعد کلان و اتخاذ شیوه‌های آمرانه در بازسازی بود.

اعتراض به این نحوه نگرش بیش از همه در بیانیه‌های شورای اسلامی شهر بم بازتاب داشته است که البته چندان مورد توجه مسئولان استانی و کشوری قرار نگرفت.

نکته دیگری که در ماجراهای پس از وقوع زلزله بم به چشم می‌خورد آمادگی و اشتیاق نهادها و سازمان‌های غیردولتی ملی و بین‌المللی برای مشارکت در بازسازی است از یک سو، و ناتوانی یا بی‌میلی مدیریت دولتی و کلان در بهره‌برداری از این شور و شوق از سوی دیگر.

البته که بنا بر روایت شاهدان عینی نهادهای امدادسانی ملی همچون هلال احمر در طی عملیات امداد و نجات توان و تبحر نسبتاً در خور توجهی از خود نشان دادند اما با همه مهارت و آمادگی‌شان قادر نشدند بر همه ابعاد فاجعه و پیامدهای زلزله فائق آیند و مصائب بعدی را تخفیف دهند.

به نظر می‌رسد این بار نیز این فاجعه یک ضعف اساسی را در ساختار مدیریتی جامعه نشان داده باشد که باید بیش از پیش و به طور جد به آن توجه شود: بی‌توجهی به نظرات و تجارب کارشناسان و تصمیم سازان و ناهماهنگی میان تصمیم گیران و نیز موانعی که از دیدگاه‌ها و عملکرد مدیریت کلان در بهره برداری از توان‌های نهفته اجتماعی و جهت دهی سازمان دادن به میل و مشارکت نیروهای غیردولتی از این زمره‌اند، و این همه موجب گسترده‌تر شدن ابعاد فاجعه و تکرار مکرر آن می‌شود.

رامین کریمی‌ان